

رویکردی تطبیقی بر خرید دین در فقه امامیه و حقوق ایران

حسین پاکزاد^۱، علی آل بویه^۲

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

Hossein.8869@yahoo.com: حسین پاکزاد:

چکیده

با توجه به نیازهای سرمایه گذاری در بخش‌های اقتصادی و لزوم گسترش ابزارهای مالی منطبق بر موازین اسلامی، بانکداری اسلامی بدون ربا در سال‌های اخیر مطرح شده است، خرید دین یکی از موضوعات در بانکداری اسلامی بدون ربا می‌باشد. از این رو مقاله حاضر با هدف "رویکردی تطبیقی بر خرید دین در فقه امامیه و حقوق ایران" به این موضوع پرداخته است. نتایج حاصل از مقاله بحث اعتبار پذیری خرید دین در حقوق را چنین پاسخ داده است که مشروعیت و صحت خرید دین در حقوق ایران بر اساس موازین شرعی منطبق بر فقه امامیه مورد پذیرش قرار گرفته و در نظام بانکداری ایران نیز در فعالیت‌های بانکی خرید دین به طور کلی قابل انعقاد است، چنانکه تنزیل اسناد و اوراق تجاری نیز بر اساس موازین بیع دین در نظام پولی و مالی و بانکی قابل اجرا بوده و از منابع تأمین اعتبار می‌باشد.

واژگان کلیدی: خرید دین، مشروعیت بیع دین، دین بانکی

1- مقدمه

امروزه قدرت اقتصادی یکی از مهمترین ویژگی‌های کشورهای دنیاست، در نظام‌های اقتصادی مهم دنیا ابزارهای مالی و تأمین سرمایه نقش مهمی در اقتصاد کشورها ایفا می‌کند، همچنین بانک و بانکداری از مهمترین تأمین کنندگان ابزارهای مالی و تأمین سرمایه برای بنگاه‌های اقتصادی و تجاری می‌باشند، اهمیت ابزارهای مالی و تأمین سرمایه نه تنها در اقتصاد دارای اهمیت است، بلکه در نظام حقوقی نیز اهمیت خاصی دارد، چنانکه عملکرد مناسب نظام حقوقی در امر شفاف سازی نظام پولی و مالی می‌تواند در عملکرد مالی جامعه نیز مؤثر واقع شود، یکی از ابزارهای مالی که از دیرباز تاکنون در امر تجارت و بانکداری اهمیت بسیاری داشته و دارد دین و مطالبات دیون در نظام پولی و بانکی می‌باشد.

بسیاری از فقها در این زمینه به ارائه نظر پرداخته و تحت عنوان «بیع» به مباحث دین پرداخته اند و از آن به «بیع دین» یاد کرده و با تقسیم‌بندی‌های بسیاری شقاق آن را از لحاظ شرعی مورد بررسی قرار داده‌اند، تا شفاف سازی حرمت و مباح بودن این نوع بیع را روشن سازند، زیرا اهمیت تأمین مالی در تجارت امری اجتناب ناپذیر بوده و بخشی از این ابزارهای مالی تحت عنوان «دین» همواره در نظام مالی حضور داشته و دارد، از این رو مقاله حاضر ابتدا با طرح موضوع دین، سعی در شفاف سازی آن در فقه و شرع امامیه داشته، و سپس در دیدگاه‌های حقوقی مسأله دین را مورد واکاوی قرار داده و زوایای آن را بررسی کرده است، تا با بررسی دین در نظام فقهی امامیه مشخص کند تا چه اندازه حقوق ایران بر این موازین منطبق بوده و نظام بانکی تا چه اندازه از این لحاظ تحت پوشش قرار گرفته است، روشن است که نظام بانکی قدرتمند می‌تواند در جهت

¹- گروه حقوق خصوصی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

²- گروه حقوق خصوصی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

تأمین مالی در نظام مالی کشور مؤثر بوده و در رونق اقتصادی و تجاری در شبکه مالی کشور دارای اهمیت باشد، همچنین برای تجار و مردم، خرید و فروش دین نیز دارای اهمیت است، زیرا شفاف سازی حرمت برخی از معاملات برای عموم مردم و همچنین نظام پولی و مالی دارای اهمیت است، از برآیند تحقیق روشن شد که بر اساس موازین فقه امامیه در جامعه اسلامی در طول تاریخ بیع دین وجود داشته و می توان بسیاری از موازین آن را امروزه با موازین پولی و بانکی روز تطبیق داد و قوانین مؤثری استخراج نمود تا مورد استفاده نظام بانکی، تجاری و پولی کشور باشد.

۲- مفهوم فقهی دین

دین از لحاظ فقهی از موضوعات ملک است؛ اما به جهت اهمیت آن و خصوصاً به منظور مقایسه با مفاهیم دیگر، باید به طور مستقل بررسی شود. در اصطلاح فقیهان، «دین» به هر مال کلی (غیر شخصی) گفته می شود که به واسطه یکی از اسباب، بر ذمه شخص دیگری ثابت می گردد. اسباب دین یا اختیاری است یا قهری (سبب اختیاری مثل قرض، بیع نسبه، اجاره و نکاح و سبب قهری مانند نفقه زن بر شوهر).^۱ لذا بیع الدین عبارت است از: «فروش مالی کلی که بر ذمه بوده و در خارج در ضمن افراد و مصادیق خود محقق می گردد».^۲

همچنین به کسی که ذمه اش به آن دین مشغول است مدیون و مدین و به آن شخص دیگر که دین به نفع اوست داین و غریم گفته می شود. سبب دین یا قرض کردن است یا امور اختیاری دیگر مانند قرار دادن چیزی را مبیع در بیع سلم یا ثمن در بیع نسبه، یا اجرت در اجاره یا صداق در نکاح یا عوض در خلع یا غیر آن، سبب دین ممکن است امور قهری باشد مانند موارد ضمان و نفقه زوجه دائم و مانند آن».^۳

۳- مالیت دین از نظر حقوقی

از نظر حقوقدانان مال چیزی است که مورد داد و ستد قرار گیرد و ارزش مبادله داشته باشد.^۴ برخی اساتید برای مال دو شرط اساسی را بر شمرده اند: نخست اینکه مفید باشد و نیاز مادی یا معنوی را برآورده سازد، دوم اینکه قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد.^۵ برخی نیز با تفکیک بین ارزش استعمالی و ارزش مبادله ای هر چیزی را که دارای ارزش مبادله ای است، مال دانسته اند،^۶ همین معنی در بیان دیگری چنین آمده است: مال عبارت است از چیزی که دارای ارزش مبادلاتی باشد،^۷ در تعریف دین مشاهده شد که در اصطلاح دین هر مالی است که به ذمه تعلق گیرد و ناشی از معاوضه یا اتلاف قرض باشد در این که دین یا طلب نیز دارای ارزش مالی و مبادلاتی است و مال محسوب می شود، نباید تردید نمود،

^۱-موسویان، سید عباس، (1386)، ابزارهای مالی اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی : 22

^۲-نجفی، محمد حسن، (1417 هـ.ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائح الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، جلد 2، : 21

^۳-موسوی خمینی، سید روح الله، (1390)، تحریر الوسیله، نجف، دار الکتب الاسلامیه، جلد 1، : 647

^۴Emami S.H. (1994). Civil Law.(14th ed., Vol. 1). Tehran, Eslamiyeh Bookstore. (in Persian):1,19

^۵Katouzian, (2002):9

^۶ The Cooperation Office of the Howzeh and University,1989:96

^۷Abdollahi, M. (1992).Jurisprudential Basics of Islamic Economics. (1st ed.). Qom, Islamic Publications Office. (in Persian):7

حقوقدانان مال را مشمول عنوان کلی حق نیز می‌دانند^۱ و حق را به اعتبار ارزش مالی به دو قسم تقسیم می‌کنند: حق مالی مانند حق مالکیت (عینی) نسبت به خانه یا حق طلب (دینی) و حق غیر مالی مانند حق بنوت و حق زوجت^۲ ایشان سپس حق مالی و مال را مترادف دانسته و معتقدند:

«مال همان حق مالی است که بر اشیا مترتب می‌گردد»^۳ لذا در نظر بسیاری از حقوق دانان در حقوق کنونی مال مفهومی گسترده تر از گذشته دارد.^۴ در حقوق تجارت نیز این دیدگاه مطرح شده است که با توجه به اوصاف خاص اسناد تجاری (از جمله اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات و وصف تجریدی بودن این اسناد) می‌توان این اسناد را جدای از اینکه وسیله اثبات دین محسوب می‌شوند، خود به عنوان یک مال و مستقل از دین و رابطه اصلی مورد توجه قرار داد. این دیدگاه به ویژه در خصوص اسناد تجاری که از سوی بانک مورد تأیید قرار گرفته و از پشتوانه پرداخت توسط بانک برخوردار است (مانند بروات تأیید شده بانکی، یا اعتبارات اسنادی که سوئیفت قبولی آنها صادر شده) قوی به نظر می‌رسد و قابل دفاع است، چه اینکه عرف این اسناد را در حکم مال تلقی می‌کند، در حقیقت همان گونه که برخی اساتید بیان داشته‌اند.^۵

معیار داوری در تشخیص «عرف» است و آنچه که عرف آن را در حکم مقداری پول می‌داند و حاضر است در برابر آن پول پرداخت کند، بایستی مال تلقی نمود، بنا بر آنچه بیان شد، چنین به نظر می‌رسد دست کم در خصوص اسناد تجاری و در روابط بین تجار، می‌توان برای اسناد مالیتی مستقل قائل شد و آن را مستقلاً موضوع عقد بیع قرار داد و تنزیل اسناد تجاری را نیز بر این مبنا تحلیل نمود.^۶

۴- ماهیت خرید دین

خرید دین یکی از اعمال حقوقی با سابقه بسیار طولانی در نظام مالی اسلامی و از دیرباز مورد استفاده متعاملین قرار می‌گرفته است تا آنجا که برخی ادعا نموده‌اند که این ابزار مالی یکی از نهادهای امضایی شرع مقدس است و در زمان جاهلیت در عربستان هم مورد استفاده قرار می‌گرفته است.^۷

امروزه با توجه به پیشرفت های اقتصادی در سطح کلان، تجار و شرکت‌های تجاری ترجیح می‌دهند که تمام معاملات خود را به صورت غیر نقدی و با اسناد و اوراق تجاری مدت دار منعقد سازند و به لحاظ همین موضوع است که مفهوم دین و بدهی، موضوعی اساسی در عرف معاملاتی تجار و به خصوص عملیات بانکی در این زمینه به شمار می‌شود در بانکداری اسلامی به استناد قوانین مصوب و قواعد مسلم شرع، هر گونه معامله بانکی باید عاری از ربا باشد، نظام حقوقی بانکی تلاش- های بسیاری برای حل این معضل انجام داده است تدقیق خرید دین یکی از همین ابزارهای بانکداری اسلامی است که سعی شده است؛ بر اساس آنچه که در شرع و موازین شرعی واقع شده است، انجام شود، از این رو در مورد ماهیت حقوقی خرید دین در حقوق موضوعه ایران سه دیدگاه قابل طرح است:

¹JafariLangroudi, M. J. (1994). Property Law. (4th ed.). Tehran, GanjDanesh Publication. (in Persian):23

²Katouzian,2002:11-19; Emami,1995, 4:4-5

³ Al-Sanhouri, A.A. (1998). Al-Vasit in Explanation of Civil Law.(Vol. 8). Lebanon, Beirut, Dar Ehya Al-Toras Al-Arabi. (in Arabic), 8:9

⁴ Katouzian,1992, 2: 160

⁵(Haeri Shahbagh,1997, 1:7; Katouzian, (2002) :10

⁶-مبین، حجت؛ امیرحسینی، امین، (1394)، بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، (دانش و توسعه سابق) دوره جدید سال بیست و دوم، شماره 7، بهار و تابستان،

⁷-ثابت، عبدالحمید، (1381)، موضوع شناسی بیع دین، مجله فقه اهل بیت (ع)، پاییز، شماره 31 : 140

الف) خرید دین به عنوان عقد بیع

در کتاب‌های فقهی که خرید دین مأخوذ از آنهاست؛ غالباً به عنوان بیع الدین از آن یاد شده و احکام بیع را بر آن بار نموده‌اند.^۱ می‌توان گفت دینی که در عقد خرید دین مدنظر ماست با عینی (عین کلی فی‌الذمه) که قانون‌گذار در تعریف بیع^۲ به آن اشاره کرده است؛ همخوانی و تناسب دارد:

اولاً: دین می‌تواند مفهومی همسان با عین کلی فی‌الذمه داشته باشد و همان طور که هیچ شکی در صحت عقد بیع کلی فی‌الذمه وجود ندارد در خرید دین هم به عنوان عقد بیع نمی‌توان این شبهه (چون عین بر موضوع خرید دین صدق نمی‌کند، نمی‌توان نام بیع بر آن گذاشت) را مطرح ساخت.

ثانیاً: درست است که برخی از بزرگان فقه ادعای اجماع کرده و نظر مشهور فقها را بر لزوم عین بودن مبیع عنوان کرده- اند.^۳ و مسئله آنچنان قطعی و مشهور است که بیع به عنوان نقل اعیان شناخته شده؛ ولی می‌توان گفت که بیع در اغلب موارد نقل اعیان است و نه در همه موارد؛ همچنان که در بین عرف و عقلا در جهان کنونی نیز بیع سرقفلی و بیع امتیاز آب، برق و تلفن، امری رایج است، با اینکه در این موارد، فروشنده جز «حق»، چیز دیگری ندارد.^۴

ب) خرید دین به عنوان قراردادی خصوصی

گروهی مقررات و ضوابط بیع را همسان با خرید دین نمی‌دانند و معتقدند که در بیع فقط عین است که مورد نقل قرار می‌گیرد.^۵ پس باید به دنبال گنجاندن این عقد در قالب قرارداد خصوصی و ماده 10 قانون مدنی باشیم، کما اینکه در مورد انتقال برخی از حقوق همانند حق خیار، حق سرقفلی و ... می‌توان این گونه نظر داد.

ج) خرید دین به عنوان عقدی معین

همانطور که برخی حقوق‌دانان به درستی اشاره کرده‌اند. یک عقد می‌تواند در زمانی به طور عقد نامعین باشد و در برهه- ای از زمان با تصویب قانون و احکام و آثار خاص برای آن در قالب عقدی معین جای بگیرد.^۶

خرید دین هم تا قبل از سال (1389) که طرح آن در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، بیع تلقی می‌شد؛ لیکن با توجه به قانونی که در این مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، می‌توان گفت که قانون‌گذار این عمل حقوقی را به عنوان عقدی معین شناخته و شرایط و آثار و احکامی خاص را برای آن در نظر گرفته است، سرانجام به نظر می‌رسد عقد خرید دین از تحلیلی عقد بیع است؛ ولی خود از عقود معین است؛ با این توضیح که برخی عقود به لحاظ ماهیت یکی از اقسام عقد

^۱- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، (1408 هـ ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم

^۲- ماده 338 قانون مدنی، «بیع تملیک عین است در مقابل عوض معلوم»

^۳- انصاری، مرتضی بن محمد امین، (1410 هـ ق)، کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، : 11/3؛ نجفی، محمد حسن بن باقر، (1404 هـ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی : 206/22

^۴- کاتوزیان، ناصر، (1374)، 312؛ البته نظر مخالف مبنی بر اینکه این نوع از قراردادها در قالب عقد صلح و واگذاری قابل انجام است، می‌تواند قابل دفاع باشد.

^۵- انصاری، مرتضی بن محمد امین، (1410 هـ ق) کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، : 11/3؛ نجفی، محمد حسن بن باقر، (1404 هـ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی : 206/22

^۶- قنواتی، جلیل؛ وحدتی، حسن؛ عبدی پور، ابراهیم، (1388)، حقوق قراردادها در فقه امامیه، زیر نظر سید مصطفی محقق داماد، چاپ دوم، تهران، سمت : 128/1

عینی به شمار می‌رود؛ ولی قانونگذار با توجه به اهمیت موضع، آن را به صورت یک عقد مستقل معین با احکام و آثار خاص خود پیش بینی نموده است.^۱

۵- خرید دین از دیدگاه فقهای امامیه

یکی از مسائل مهم در عصر حاضر، امکان خرید و فروش دیون و مطالبات مدت‌دار است، اگر بیع دین خصوصاً به کمتر از قیمت اسمی به شخص ثالث (تنزیل) صحیح باشد، راهکار مهمی جهت تأمین مالی در اختیار دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به ویژه بانک‌ها قرار می‌گیرد، دولت و فعالان اقتصادی می‌توانند مطالبات مدت‌دار خود از شرکت‌ها، مؤسسات، اشخاص حقیقی و حقوقی به صورت اسناد متحدالشکل درآورده و در مواقع مورد نیاز در بازار به فروش برسانند و از این طریق نیازهای کوتاه مدت خود را به نقدینگی تأمین کنند. فقهای مشهور بحث خرید و فروش دین را در احکام بیع متذکر می‌شوند و در توضیح المسائل‌های جدید در بحث معاملات سفته مطرح می‌کنند، تحقیق مفصلی که درباره دیدگاه فقها و استدلالشان نسبت به بیع دین انجام شده، نشان می‌دهد شش نظریه فقهی در این زمینه وجود دارد:

- 1- نظریه اول: بیع دین را به طور مطلق باطل دانسته و تفصیلی بین بیع به مدیون و غیر او و بین بیع دین حال و مؤجل قائل نشده است، این نظریه را شیخ طوسی به شافعی نسبت داده است؛
 - 2- نظریه دوم: بین دین حال و مؤجل تفصیل قائل شده و بیع دین حال را صحیح و مؤجل را باطل اعلام کرده‌اند که شهید اول و صاحب حدائق این نظریه را صحیح دانسته‌اند؛
 - 3- نظریه سوم: بیع دین به مدیون درست؛ ولی به شخص ثالث باطل است، ابن ادریس و امام خمینی (در قول جدیدشان) از طرفداران این نظریه هستند؛
 - 4- نظریه چهارم: که بسیاری از فقهیان مثل محقق ثانی، شهید اول و مقدس اردبیلی آن را برگزیده‌اند، این است که بیع دین مؤجل به ثمن حال (نقد) جایز است، چه به مدیون فروخته شود و چه به شخص ثالث؛ ولی بیع دین به نحو نسیه و ثمن مؤجل باطل است؛
 - 5- نظریه پنجم: که شیخ طوسی، ابن براج و شهید در دروس این نظر را مطرح کرده‌اند، این است که بیع دین به کمتر صحیح است؛ ولی مشتری بیشتر از آن مقدار که به طلبکار پول داده است، نمی‌تواند از بدهکار بگیرد و ذمه بدهکار از مابقی دین، بری می‌شود؛
 - 6- نظریه ششم: این است که بیع دین مطلقاً صحیح است و خریدار، مالک تمام دینی می‌شود که خریده است. فقیهان مشهور شیعه و فقهیان معاصر چون سید یزدی، بروجرودی، خویی، امام خمینی (طبق قول اولشان) سیستانی، مکارم شیرازی، تبریزی، وحید خراسانی و زنجانی، این نظریه را مطرح کرده‌اند.
- امام خمینی همانند مشهور فقها ابتدا معتقد به جواز بیع دین به صورت مطلق بود و در کتاب تحریرالوسیله بعد از تقسیم سفته به سفته‌های حقیقی و سفته‌های صوری می‌فرماید: «در نوع اول، اگر سفته را نزد شخص ثالثی به مبلغ کمتر تنزیل نماید به اینکه آنچه را در ذمه مدیون دارد به کمتر از آن بفروشد، اشکالی در آن نیست» لکن بعد از مدتی ظاهراً از نظر سابق خویش برگشته و در استفتائاتی که شده فتوا به حرمت و ربوی بودن بیع دین می‌دهند.^۲
- بنابراین در جمع‌بندی بیع دین می‌توان گفت بیع دین صورت‌های زیادی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

^۱- کاتوزیان، ناصر، (1374)، حقوق مدنی، دوره عقود معین (1)، چاپ ششم، تهران، انتشار، ذیل ماده 338، حاشیه 5
^۲- موسویان، سید عباس، (1389)، تبدیل دارایی‌های بانکی به اوراق بهادار در بانکداری بدون ربا، پول و اقتصاد، شماره 4 : 110

- 1- بیع دین حال به من هو علیه؛ یعنی بدهکار: فروش دین حال به بدهکار از نظر همه فقها جایز است؛
- 2- بیع دین حال به غیر بدهکار: این صورت را نیز تقریباً همه صحیح می‌دانند به غیر از ابن ادریس که می‌گوید فروش دین به شخص ثالث جایز نیست؛
- 3- بیع دین مؤجل: عده‌ای از فقها آن را جایز نمی‌دانند و تفاوتی بین فروش آن به مدیون و غیر مدیون قائل نشده‌اند. در عین حال بسیاری به جواز فروش دین مؤجل قبل از سررسید قائل شده‌اند؛ چه به مدیون فروخته شود و چه به دیگری فروخته شود.^۱

در رویکردی دیگر که نگاهی تطبیقی بر فقه امامیه و حقوق ایران است نظریات ارائه شده به شرح ذیل می‌باشد:

- 1- گروهی از فقها معتقدند خرید دین مطلقاً صحیح است و بدون ورود در تقسیم‌بندی‌ها و تفصیلات وارده در موضوع مطلقاً به جواز بیع دین فتوا داده‌اند؛ همچون: موسوی خویی،^۲ فاضل موحدی لنکرانی،^۳ فیاض،^۴ حسینی سیستانی،^۵ مکارم شیرازی،^۶ تبریزی،^۷ و شبیری زنجانی،^۸ این نظریه را مطرح کرده‌اند. بدین نحو که مبیع معامله را همان بدهی و دین مدت‌دار بدهکار می‌دانند و ثمن را همان مبلغ پرداختی توسط مدیون یا ثالث به عنوان خریدار دین قلمداد می‌کنند به طوری که حتی ماهیت آن را هم بیع می‌پندارند و هیچ تردیدی در مورد تملیک و ... به خویش راه نمی‌دهند؛
- 2- گروهی دیگر با توجه به ثمن در خرید دین به ارائه نظر پرداخته‌اند؛ بسیاری از فقهای امامیه با توجه به روایاتی از معصومان (علیهم السلام) خرید دین را در صورتی که عنوان خرید دین به دین بر آن صدق کند، ممنوع و باطل می‌دانند.^۹ و از جمله آن روایات، روایت زیر است:

«عن أبي عبدالله (ع)، قال رسول الله (ص)، لا يباع الدين بالدين»^{۱۰} بیع دین به دین، معامله دین در مقابل ثمنی است که خود دین است.

¹- معصومی نیا، غلامعلی، (1389)، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی : 97-99

²- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (1410 هـ ق)، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم: 173 /2

³- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (1426 هـ ق)، رساله توضیح المسائل، قم، : 526

⁴- فیاض، محمد اسحاق، (1426 هـ ق)، رساله توضیح المسائل، قم، مجلسی: 353

⁵- حسینی سیستانی، سید علی، (1422 هـ ق)، المسائل المنتخبیه: العبادات و المعاملات، چاپ نهم، قم، دفتر حضرت آیت الله سیستانی : 526

⁶- مکارم شیرازی، ناصر، (1427 هـ ق)، استفتائات جدید، چاپ دوم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع): 235 /2

⁷- تبریزی، میرزا جواد بن علی، (بی تا)، استفتائات جدید، قم: 234 /2

⁸- شبیری زنجانی، سید موسی، (1430 هـ ق)، رساله توضیح المسائل، قم، سلسبیل : 490

⁹- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (1410 هـ ق)، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم 173 /2؛ موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه النشر الاسلامی: 649/1؛ حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، (1419 هـ ق)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی: 425/4

¹⁰- حر عاملی، محمد بن حسن، (1409 هـ ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام: 347/18

در میان فقها و حقوق دانان مشهور است که نباید در مقابل دین، دین قرار گیرد و گرنه مشمول نهی نبوی قرار گرفته و باطل می‌شود.^۱ در بررسی این نظر باید موردی را که مشمول نهی نبوی است، متمایز و غیر از آن را حمل بر صحت کرد: چرا که این حکم، حکمی استثنایی است که باید در بحث نص تفسیر شود.

مشهور است که دین بر هر چیزی که تأجیل آن در عقد واقع شود، اطلاق می‌گردد. پس در نگاه اول حتی اگر ثمن در خرید دین، عین معین؛ ولی مؤجل باشد، دین بر آن صدق می‌کند، و مشمول بیع دین به دین است؛ ولی باید اذعان داشت که اگر ثمن عین معین باشد، حق عینی برای وی ایجاد می‌شود و تعیین اجل برای آن نمی‌تواند آن را به شکل دین درآورد.^۲

۶- شرایط صحت بیع دین

پس از بررسی جواز بیع دین و بررسی دیدگاه‌های فقهای امامیه ضروری است؛ شرایط صحت این معامله نیز مورد بررسی قرار گیرد، با تأمل در نظرات فقها، می‌توان چنین دریافت که تمام شرایط مطرح شده برای صحت بیع دین را می‌توان در این نکته خلاصه نمود که در بیع دین، بایستی به گونه‌ای عمل شود که معامله مستلزم ربا نباشد، همه کسانی که خرید و فروش بدهی را جایز دانسته اند این نکته را مورد تأکید قرار داده‌اند که صحت معامله دین، منوط به آن است که ربا لازم نیاید، برای رعایت این موضوع در بیع دین، بایستی شروط زیر رعایت شود:

نخستین شرطی که برای صحت بیع دین باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که اصل بیع پول مشمول حکم ربای معاملی نباشد، بنا بر دیدگاهی که مالیت اسناد تجاری را به اعتبار پولی می‌داند که این اسناد بیانگر آن است، تنزیل یک سند تجاری، به منزله فروش نقدی پول آینده به کمتر از مبلغ اسمی آن است، مشهور فقهای امامیه حرمت ربای معاملی را منحصر در اشیای همجنس مکمل و موزون می‌دانند که در این صورت چون پول جزء معدودات است، بیع پول ولو به قیمتی کمتر از ارزش اسمی آن جایز است؛

برخی از قدما مانند شیخ مفید^۳ و بعضی از معاصر چون شهید مطهری^۴ دامنه ربای معاملی را در خصوص سایر کالاهایی که به نحوی قابلیت اندازه گیری دارند، نیز گسترش می‌دهند و بعضی مانند شهید صدر، ربا را در جمع اشیای مثلی جاری می‌دانند؛ بنابر نظر این بزرگان اسکناس هم جزء کالاهای ربوی محسوب شده، معامله آنها همراه با زیادی دچار اشکال می‌شود؛ ولی چنانکه بیان شد، قول مشهور فقهای امامیه این دیدگاه را نمی‌پذیرد و این نظر از سوی بسیاری از فقهای معاصر مورد مناقشه واقع شده است؛^۵

شرط دوم، آن است که بیع دین، باید واقعاً به عنوان «بیع» صورت پذیرد نه اینکه حقیقت عمل طرفین، «قرض» باشد که صورت بیع به آن پوشانده شده است، برای تشخیص اینکه قرارداد منعقد بیع بوده یا فرض، می‌توان از دو معیار شخصی و یا نوعی استفاده نمود، در فقه امامیه برخی فقها برای تشخیص اینکه «بیع دین» صورت گرفته، «قرض» است یا «بیع» از معیار شخصی استفاده نموده و قصد طرفین را مبنا قرار داده اند، و در صورتی که قصد طرفین در واقع قرض باشد، آن را ربا، و

^۱- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ هـ ق)، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم : 2 / 173؛ موسوی خمینی (بی تا) : 1 / 649؛ امامی، سید حسن، (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، تهران، نشر اسلامی : 1 / 455؛ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها) ، چاپ ششم، تهران، انتشار : 206/2

^۲- موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه النشر الاسلامی : 1 / 649

^۳Mufid, M. (1989). Al-Muqna'a. (3rd ed.). Qom, Islamic Publishing Corporation of the Group Teachers. (in Arabic): 605

^۴ - Motahhari, M. (1985). Usury, Bank and Insurance. (1st ed.) Tehran, Sadra Publication. (in Persian): 78-79

^۵ - Khomei, S.A.Gh. (1989). Minhaj Al-Salehin. (28th ed., Vol. 2). Qom, Madineh Al-Elm Publication. (in Arabic), 2: 416-417

حرام دانسته‌اند،^۱ برخی بر این نظر ایراد نموده‌اند که نمی‌توان گفت با تغییر قصد از بیع به قرض و برعکس ماهیت عمل حقوقی انجام شده میان بیع و قرض متغیر است، این ایراد وارد به نظر می‌رسد، چه اینکه نمی‌توان از یک معامله به اعتبار قصد طرفین که آن هم امری درونی است و در عمده موارد به راحتی قابل اثبات نیست، تحلیل‌های متفاوتی ارائه داد و دو قرارداد مشابه را یکی به صرف قصد طرفین، باطل و دیگری را صحیح دانست به نظر می‌رسد، در این موارد باید از معیار نوعی و یا همان عرف استفاده نمود، در نتیجه از آنجا که عرف امروز به ویژه در سیستم بانکی و در بین تجار تنزیل اسناد تجاری را واقعاً بیع و معاوضه تلقی می‌کند، بایستی قائل به صحت آن بود؛

البته این نکته را هم باید افزود که اگر ثابت شد که هدف اصلی از بیع دین یا تنزیل همان قرض ربوی بوده، معامله باطل است؛ ولی نه به علت قصد طرفین، بلکه در اینجا بطلان معامله، از حیث لزوم مشروعیت جهت معاله است، بدین معنی که اگر هدف از تنزیل همان اخذ ربا در عقد قرض است، تنزیل به علت نامشروع بودن جهت معامله باطل است،^۲

سومین شرطی که باید وجود داشته باشد، آن است که اسناد تجاری که قرار است، تنزیل شود، حاکی از وجود بدهی حقیقی باشد؛ یعنی صاحب آن واقعاً از شخصی طلب داشته باشد؛ بنابراین اسناد تجاری صوری از بحث خارج هستند؛ با توجه به مطالبی که در شرایط یاد شده آمد، در خصوص تنزیل اسناد تجاری می‌توان گفت که شروط اول و دوم اصلاً موجود است؛ یعنی از یک سو، بنا بر نظر مشهور فقهای امامیه بیع پول و به تبع آن بیع دین و اسناد تجاری، ولو به قیمت کمتر از قیمت اسمی پول یا دین جایز است و از سوی دیگر عرفاً تنزیل اسناد در سیستم بانکی برای خرید دین و نقد کردن دیون مدت‌دار مورد استفاده قرار می‌گیرد، نه برای قرض گرفتن؛ لذا آنچه بیشتر جنبه موضوعی دارد و در خصوص هر دین باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد، شرط سوم است.^۳

۷- تنزیل اسناد تجاری بر اساس «بیع دین»

چنانکه بیان شده است، اکثر قریب به اتفاق فقهای امامیه در اقوال خود، ماهیت تنزیل را بر عقد «بیع» یا به عبارت دقیقتر «بیع دین» حمل کرده‌اند، برخی از اقتصاد دانان ایرانی نیز استفاده از عقد «خرید دین» یا «خرید دین مجدد» را برای تحلیل ماهیت «تنزیل» و «تنزیل مجدد» پیشنهاد نموده و معتقدند «از آنجایی که قریب به اتفاق فقها، تنزیل اسناد تجاری را از نظر فقهی مجاز دانسته‌اند، در قانون جدید- مصوب 1390 در برنامه توسعه پنجم اقتصادی- به بانکها اختیار داده شده که تحت شرایط معینی اقدام به خرید این اسناد بنمایند، به این منظور بانکها می‌توانند هر نوع سند طلبی را که منشأ آن معاملات تجاری یا اسناد دین واقعی باشد، حال نموده و خریداری کنند این اسناد که توسط بانکها از مشتریان خریداری شده قابل تبدیل مجدد به دین حال نزد بانک مرکزی است»^۴ علی‌رغم وجود برخی دیدگاه‌های مخالف، بیشتر حقوقدانان نیز از همین نظر پیروی نموده‌اند.

¹- Imam Khomeini, S.R. (2004). Tahrir Al-Wasile, Translator A. Islami. (21sted., Vol. 4). Qom, Islamic Publishing Office. (in Persian), 4: 453

²-Shahbaznia&Ounagh, 2013: 106

³-مبین، حجت؛ امیری حسینی، امین، (1394)، بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، دوره جدید، سال بیست و دوم، شماره 7، بهار و تابستان: 94-127

⁴Majedi, A. &Golriz, H. (1993).Money and Bank. (5th ed.). Tehran: Institute of Islamic Banking of Iran. (in Persian):274

۸- نتیجه گیری

بر اساس آنچه که از مقاله حاضر حاصل شد، روشن شد در حقوق امروزه خرید دین که امروزه در بانکداری چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور از آن به تنزیل اسناد تجاری یاد می‌شود مختص و حاصل فرایندهای مالی جدیدی نیست، زیرا بر اساس موازین فقهی و حقوقی در تاریخ اسلامی پیشینه‌ای طولانی داشته و قدمت آن به تشکیل جامعه اسلامی بازمی‌گردد، چنانکه در این رابطه در قالب «بیع دین» و روابط مالی حاصل از آن در بین روایات و احادیث نبوی و ائمه اطهار (سلام الله علیهم) فراوان سخن رفته است و فقهای متقدم و متأخر و معاصر از این گونه احادیث و روایات احکام بیع، به ویژه خرید دین و کلیه حقوق فقهی مربوط به آن را از این گونه احادیث استنباط کرده و در اختیار نظام مالی اسلامی قرار داده اند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله مشخص شد در خرید دین روشن شدن ماهیت فقهی آن بسیار مهم بوده و بسیاری از فقها سعی در روشن ساختن اصل مشروعیت خرید دین را داشته اند زیرا موضوع خرید دین از دیرباز برای مردم، تجار، شرکت‌ها، بازارهای مالی و پس از ایجاد بانک در ایران از ملزومات مهم مالی بوده استاز برآیند تحقیق روشن شد که خرید دین در بین فقهای اهل سنت به طور مطلق رد شده و آن را باطل اعلام کرده اند، اما فقهای شیعه با توجه به احادیث و روایات، خرید دین را تحت شرایطی بلاشکال دانسته و شقوقی برای آن قائل شده اند و هر یک از شقوق خرید دین را تحت شرایط فقهی خاصی مورد پذیرش قرار داده اند، و به شکل اجماع چه در بین متقدمان و چه در بین فقهای معاصر خرید دین یکی از ابزارهای مالی اسلامی بوده و اصلی پذیرفته شده است.